

« زمینه‌های موثر بر تربیت مطلوب از دیدگاه سعدی »

نویسنده مسئول: مریم شوکتی کارشناسی ارشد آموزش ابتدایی، فرهنگی شاغل در آموزش و پرورش شهرستان بوکان.

شماره تماس ۰۹۱۴۱۸۰۰۱۳۳

Shokatimaryam195@gmail.com

چکیده:

این پژوهش با عنوان « زمینه‌های موثر بر تربیت مطلوب از دیدگاه سعدی » در صدد است ضمن طرح مسئله‌ی تعلیم و تربیت از دیدگاه دانشمندان، به بررسی و شناخت اندیشه‌های تعلیمی، تربیتی و اخلاقی در آثار سعدی در راستای سازندگی معنوی و اخلاقی فرد و جامعه، پرداخته و مهمترین زمینه‌های تاثیرگذار بر تربیت مطلوب را از دیدگاه این شاعر بزرگ فارسی تبیین کند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که نظریات سعدی در زمینه تعلیم و تربیت کاملاً منطبق بر نظریه‌های جدید تعلیم و تربیت می‌باشد و مولفه‌هایی چون وراثت، محیط، گروه همسالان، خانواده و... جایگاه ویژه‌ی تربیتی در دیدگاه سعدی دارد. واژگان کلیدی: سعدی، تربیت، کودکی، وراثت، محیط، همسالان.

۱- مقدمه:

سعدی حکیمی است که با بهره گرفتن از فرهنگ و معارف اسلامی، موجب شده تا آثاری گرانبها و سراسر تربیتی از خود باقی گذارد. به طوری که گاهی شاعر است و زمانی مانند یک رفتارشناس ژرف نگر، به توصیف رفتارهای اجتماعی و انسانی می پردازد. وی بنا به رسم زمان به وعظ و نصیحت روی آورد. از این جهت در آثارش به فراخور همه نوع افراد، از بالاترین شخص مملکت تا پایین ترین آن به فراخور حال و مقام آنان سخنان تربیتی دارد.

سعدی در دو کتاب «گلستان» و «بوستان» یک دوره حکمت عملی را گنجانیده که اسلوب او نه تنها در زبان فارسی بلکه در دیگر زبان‌ها تازگی دارد. از نکات اخلاقی که در قالب پند و اندرز و در کسوتی از الفاظ دلنشین و اشعاری نغز بیان می کند. ترس ندارد که مورد خطاب پادشاه یا این که درویشی هم مسلک خودش گردد. به سلطان تعلیم می دهد که رضای رعیت و آبادانی کشور، بهترین وسیله دفاعی و بر عکس ناراضی مردم اخگری است کم شعله، که هر دم انتظار خاشاکی دارد تا بر افروزد و ملک و مملکت را یکسر در شرار خود بسوزاند.

از دیدگاه سعدی تعلیم و تربیت بر گرفته از قرآن و احادیث، اعتدال و میانه روی برای مسلمانان است که او در آثار خود بر آن تأکید فراوان دارد و هدف تربیت از نظر وی همانست که انسان طوری تربیت شود که بتواند خودش را در اعمال گوناگون با جامعه وفق داده، جنبه‌های عقلانی خود را تقویت نماید. زیرا رشد و تعالی عاطفی و عقلی و اخلاقی و حتی تربیت دینی تنها در سایه داشتن شخصیت عقلانی شکل می گیرد. شیخ در مواعظ تربیتی خود اشاره دارد که تنها وسیله‌ی رهایی خود و دیگران عقل است و آنچه عقل را نیرو می بخشد، علم است. علم برای عمل کردن و هر علمی که عمل در آن نباشد همچون زنبور عسل است که نیش دارد اما عسل نمی دهد.

بررسی مبانی تعلیم و تربیت و زمینه‌های مطلوب تربیتی از دیدگاه سعدی مساله حائز اهمیت است که پاسخگوی بسیاری از سوالات در زمینه‌ی اندیشه‌های تربیتی سعدی می‌باشد. لذا این پژوهش در صدد است ضمن ارائه تعریف جامعی از «تربیت» به بررسی دیدگاه سعدی در این خصوص پرداخته و ابعاد مختلف آن را تبیین نماید.

۲- ضرورت و سوالات پژوهش:

با توجه به اهمیت مبانی تعلیم و تربیت در آثار متقدمان، به عنوان میراث ادبی تربیتی متأثر از قرآن کریم، این تحقیق در صدد است با بررسی مولفه‌های تاثیرگذار بر تربیت از دیدگاه شیخ اجل سعدی، به اهداف ذیل دست پیدا کند:

۱- میزان اهمیت تربیت از دیدگاه سعدی با بهره گیری از آثار وی را بیان کند.

۲- به دست‌بندی نظام‌مند مولفه‌های تربیتی از دیدگاه سعدی بپردازد.

۳- به ارائه‌ی الگویی تطبیقی و کاربردی از مولفه‌های تاثیرگذار بر تربیت انسان از دیدگاه سعدی، برای بشر امروز که اخلاق مهمترین گمشده‌ی اوست بپردازد.

۳- فرضیه‌های پژوهش:

- ۱- سعدی را می‌توان از شاخص‌ترین شاعرانی قلمداد کرد که مسأله‌ی تربیت به عنوان دغدغه اساسی در آثار وی مطرح می‌باشد.
- ۲- مهمترین مولفه‌های تاثیرگذار بر تربیت از دیدگاه سعدی را می‌توان مواردی چون «سن، وراثت، محیط، ویژگیهای فردی، گروه‌های ارتباطی و ..» بیان کرد.
- ۳- الگوی تربیتی که سعدی از آن سود می‌برد برخاسته از سه منبع اساسی، دین، تجربه و علم، عرف و عادات اجتماعی بر شمرد.

۴- روش پژوهش:

روش این تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، روش توصیفی-تحلیلی بوده است. شیوه‌ی جمع‌آوری و استخراج اطلاعات بر اساس شیوه‌ی کتابخانه‌ای بوده است. بدین صورت که ابتدا سعی شده است با رجوع به منابع و آثار دسته‌اول این شاعر و نویسنده و مقالات و مجلات ادبی و اینترنت، مواد اولیه‌ی تحقیق به صورت فیش جمع‌آوری شود. سپس به دسته‌بندی و ویرایش مواد جمع‌آوری شده بر اساس طرح تحقیق پرداخته شده است.

۵- مفهوم شناسی تربیت:**۵-۱- معنای واژگانی تربیت:**

از نظر واژگانی و لغوی تربیت «مصدر باب تفعیل» و از ریشه «ربو یا رب» است که به معنای زیادت و فزونی و رشد و برآمدن گرفته شده است. (ابن فارس، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۳)

کاربردهای گوناگون از این ریشه همه همین معنا را دربردارد، چنانکه «ربو» نفس عمیق و بلند را گویند که موجب برآمدن سینه است و «ربوه» و «رابیه» سرزمین بلند و مرتفع را گویند. (الفراهیدی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۶۴۹)

«ربا» یعنی افزون شد و نمو کرد که در اصطلاح شرع مخصوص به افزون شدن سرمایه با غیر از سود شرعی است و «ربیتان» دو قسمت گوشت بن ران در قسمت کشاله‌ی ران را گویند که بالا می‌آید و حالت برآمدگی دارد و «ربی علیه» یعنی بر او اشراف و احاطه یافت و «ربیت الولد فربا» یعنی فرزند را تربیت کردم و او رشد کرد. (الاصفهانی، بی تا: ۱۸۷)

با توجه به معنا و مفهوم یاد شده، در بحث تربیت انسان، مفهوم واژه‌ی تربیت بر پرورش استعدادهای انسانی یعنی فراهم کردن زمینه‌ی رشد استعدادهای آدمی دلالت می‌کند. راغب اصفهانی - لغت شناس بزرگ - در این باره می‌نویسد: «ربیت» (تربیت کردم) از واژه‌ی «ربو» است و گفته‌اند اصلش از مضاعف یعنی «رب» «ربب» بوده است که یک حرف آن برای تخفیف در لفظ به حرف «ی» تبدیل شده است مانند «تظننت» که «تظنیت» شده است. (همان)

در جای دیگر آمده «رب» به معنای مالک، خالق، صاحب، مدیر، مربی، قیم، سرور و منعم است و نیز اصلاح کننده‌ی هر چیز را «رب» گویند. (فیروزآبادی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۷۳)

بنابراین «رب» به معنای مالک و مدیر و تربیت کننده است. و تربیت به معنای مالکیت، تدبیر کردن، هدایت کردن و جهت دادن است.

۲-۵ مفهوم اصطلاحی تربیت:

دیدگاه‌های متعدد و متفاوتی راجع به معنای اصطلاحی تربیت از سوی اندیشمندان علوم تربیتی، وجود دارد که از معنای واژگانی آن چندان دور نیست.

^۱ -همچنین نک: جمال الدین محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، نسقه و علق علیه و وضع فهارسه علی شیری، الطبعه الاولى، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق. ج ۵، ص ۱۲۶.

افلاطون(۳۴۶-۴۲۷ ق.م) در تعریف تربیت گفته است : تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادهای طبیعی و شکوفا ساختن آنها.(گروه نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱۶۷-۱۷۳)

ارسطو(۳۲۲-۳۸۴ ق.م) نیز تربیت را مجموعه ای از اعمالی دانسته است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می پذیرد دانسته است.(همان: ۱۷۳-۱۷۸)

در میان اندیشمندان اسلامی که در قدیم می زیسته اند، برای تربیت نیز تعاریفی بیان شده است.ابن سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳ - ۴۲۸ ه.ق) در تعریف تربیت گفته است : تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک ، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی. (همان: ۳۸۴)

استاد مطهری در تعریف تربیت اینگونه بیان می دارد : تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده ایم، نه اینکه به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده ایم.(همان: ۳۰۵)

جان دثویی معتقد است تربیت، مجموعه فرایندهایی است که از راه آنها، گروه یا جامعه - چه کوچک و چه بزرگ - توانایی ها و خواسته های خود را به اعضا و نسل های جدید منتقل می کند تا بقا و رشد پیوسته خویش را تضمین کند.(گروه نویسندگان، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۶۱)

امیل دورکیم می گوید تربیت آن کارکردی است که در طی آن، نسل بالغ، رسیده و تربیت یافته، بر نسلی که هنوز برای زندگی به اندازه کافی پختگی نیافته است، اثر می گذارد و هدف از آن، برانگیختن و گسترش حالات جسمی، عقلی و اخلاقی متربی است.(همان: ۲۲۵-۲۲۴)

در ادامه به مهمترین یافته های این تحقیق از مجموع نقطه نظرات اندیشمندان در باره مفهوم تربیت اشاره می شود.

از تعارف موجود، چنین می توان نتیجه گرفت که هدف از تربیت باروری و شکوفاسازی توانمندی های بالقوه و پرورش دادن استعدادهای نهفته ی افراد است که بر اثر تربیت، تمرین و مرارت مستمر از سوی متربی و جهت دادن و کنترل هدف از سوی مربی؛ این مهم به فعلیت تبدیل می گردد.

به اعتقاد نگارنده تربیت محصول مراقبتی است که از نشو و نمای آدمی زاد در جریان رشد وی یعنی سیر به سوی کمال، به عمل می آید. تربیت عمل عمدی فردی رشید است که می خواهد رشد را در فردی که فاقد ولی قابل آن است تسهیل کند. تربیت سرپرستی جریان رشد یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت ساختن شرایط مساعد برای رشد است.

۶- تربیت در آثار سعدی:

۱-۶ اهمیت تربیت در اندیشه ی سعدی:

آن چیز که در اندیشه های سعدی در رابطه با زندگی می توان به وضوح مشاهده نمود، نقش و اهمیت «تربیت» در پی ساخت فرایند زندگی، به عنوان عاملی در جهت سعادت و یا شقاوت هر فرد است. نقش تربیت نزد شیخ اجل چنان مهم بوده است که او باب هفتم گلستان را در تأثیر تربیت و همچنین باب هفتم بوستان را در عالم تربیت نام نهاده است.

باب هفتم گلستان، در تأثیر تربیت مشتمل بر ۱۹ حکایت است که سعدی در اکثر حکایات سخن از پسری به میان می آورد.

حکایت اول: یکی از وزرا را پسری کودن بود... (۱۵۹)

حکایت دوم: حکیمی پسران را پند همی داد... (۱۵۹)

حکایت سوم: باری پسر از بیطاقتی شکایت پیش پدر برد... (۱۶۰)

^۲ - سعدی، مصلح بن عبد اله، «گلستان»، تصحیح محمد علی فروغی، تهران ۱۳۸۵، انتشارات اقبال.

حکایت ششم: پادشاهی پسری را به ادیبی داد... (۱۶۴)

حکایت هفتم: یکی را شنیدم از پیران مری که مریدی را همی گفت ای پسر... (۱۶۵)

حکایت هشتم: اعرابی را دیدم که پسر را همی گفت... (۱۶۵)

حکایت نهم: اگر خدای عزوجل مرا پسری دهد... (۱۶۶)

حکایت پانزدهم: یکی از بزرگان ائمه پسری وفات یافت... (۱۶۹)

نکته قابل توجه این است که سعدی در بیان امور تربیتی در باب هفتم، بالغ بر ۲۰ بار از واژه پسر استفاده کرده است و این در حالیست که واژه ی دختر تنها یک بار و آن هم به صورت جمع (دختران) در حکایت چهارم آمده است. سعدی همچنان پنج بار واژه فرزند، دو بار واژه کودک و یک بار واژه طفل را در این باب به کار برده است.

« سعدی شاعر عرفانی نیست زیرا سرشت عملی وی او را بیشتر به وعظ و تدریس اخلاق متمایل می کرد؛ سعدی عرفان را فقط در خدمت تعلیم مفهوم والا تری از زندگی مادی به کار می گرفت آن احساسات عارفانه ممتاز مثنوی مولانا یا منطق الطیر عطار را نباید در بوستان جستجو کرد. سعدی غالباً از صوفیان سخن می گوید، اما نگرش او نسبت به آنها همواره بیشتر نگرش یک معلم اخلاق است تا برادری صوفی.» (لئونارد، ۱۳۸۴: ۲۱۷)

هدف سعدی در تربیت، پروردن افراد با ایمان و متکی به نفس است که برای خود و خانواده خود و جامعه خود مفید باشند و برای نیل به این هدف باید در تربیت نوآموز تعجیل کرد و او را دیندار، پرهیزگار، درستکار، فروتن، خوش خو، قانع، منصف، حق شناس، نیکو کار، دارای عزت نفس، صاحب هنر و پیشه و باسواد پرورش داد و آنان که عالم می شوند، باید بیش از دیگران پرهیزگار باشند. در دامه به مهمترین مولفه های تربیت از منظر آثار سعدی می پردازیم.

۲-۶ زمینه های موثر بر تربیت مطلوب در اندیشه های سعدی:

۱-۲-۶ تربیت و کودکی:

اگر دوران کودکی شش تا هفده سالگی را کم و بیش شامل باشد، که تعلیم و تربیت و حفاظت ویژه ای را نسبت به کودک و نوجوان طلب می کند؛ در این صورت شواهد و قرائن فراوانی در دست است که نشان می دهد، تا ۴۰۰ سال پیش در تاریخ و فرهنگ مغرب زمین، واژه ای اجتماعی به نام کودک وجود نداشته است. (پستمن، ۱۳۷۸: ۱۶)

در باب هفتم گلستان تنها دو بار از واژه کودک استفاده شده است که در اینجا هم مراد از کودک واژه ای اجتماعی نیست. در جوامع مبتنی بر فرهنگ شفاهی، تصویر واضح و دقیقی از مفهوم بزرگسالی و تفاوت آن با خردسالی وجود ندارد به همین دلیل است که در تمام مآخذ مربوط به قرون وسطی می بینیم که دوران کودکی در سن هفت سالگی به انتها می رسد. چرا هفت سالگی؟ زیرا در این سن کودک به تکلم و قدرت بیان دست یافته است. (همان: ۴۲)

به اعتقاد سعدی انسان هرچقدر کم سن و سال تر باشد، تربیت پذیرتر است. به اعتقاد سعدی اگر در تربیت کودک کوتاهی شود، در بزرگی، تربیت در او مؤثر نخواهد بود:

«هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او برخاست

چوب تر را چنان که خواهی پیچ نشود خشک جز به آتش راست»

(گلستان، ۱۳۸۵: ۱۶۱)

سعدی اعتقاد دارد که باید به تربیت طفل از دوران تولد ضمن رشد و پرورش او توجه شود. وی زندگی طفل را مرهون تربیت او می داند و طفل بی تربیت را زنده نمی انگارد. از مطالعه نظریات سعدی در آثار وی اصول زیر به دست می آید:

اولاً طفل قابل تربیت است و پرورش صحیح موجب تعالی او می گردد. چون سعدی به تربیت طفل در خردی و طفولیت قائل و معتقد است.

پیداست قطره ای که به قیمت کجا رسد لیکن چو پرورش بودت دانه دری

« و دریغ است که از تربیت استعدادها خودداری شود که ... استعداد بی تربیت دریغ است و تربیت نامستعد ضایع . و راه حُسن عاقبت و سوء عاقبت پیش پای انسان است و شخص ، با اختیار خود می تواند یکی را انتخاب کند .

آن راه دوزخ است که ابلیس می رود بیدار باش تا پیی او راه نسپری
ثانیاً، تربیت از کودکی و هر چه زودتر باید آغاز گردد و گرنه طفل استعداد تربیت را از دست می دهد . و بعدها تأثیر تربیت و امکان تغییر کم می شود. بیشترین توجه سعدی به پرورش اخلاقی طفل است و پرورش و تربیت طفل را از وظایف مهم خانواده و والدین او می داند.
هر که در خریدش ادب نکنن در بزرگی فلاح از او برخاست
چوب تررا چنانکه خواهی پیچ نشود خشک، جز به آتش ، راست
و مقصود از تمثیل : « نشود خشک جز به آتش راست » در مورد تربیت ، اشاره به صعوبت امر تربیت در بزرگسالی است و سعدی می پندارد که اصلاح رفتار کسانی که در اوان کودکی بد

تربیت شده اند ، به حقیقت غیر ممکن است و این تربیت ناپذیری را به « گوهر بد » تعبیر می کند و تصوّر می کند که مربوط به سرشت افراد باشد .

چون بود اصل گـوهری قابل تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنــــی را که بدگهر باشد

ثالثاً ، سعدی مثل بسیاری از محققین و دانشمندان بزرگ اسلامی معتقد است که باید طفل را از قرین و همنشین بد به دورداشت تا خوی ناصواب وی در او تأثیر نکند . از آنجایی که استعداد نیکی و بدی در انسان وجود دارد و معاشران در تقویت استعدادها مؤثرند ، پس مؤکداً باید از همنشینی با ناصالحان پرهیز کرد و طفل را از مخالطت با نا اهلان مانع شد .

گر نشیند فرشته ای با دیو وحشت آموزد و خیانت و ربو

از بدان نیکویی نیاموزی نــــکند گرگ پوستین دوزی

رباعاً ، علاوه بر پرورش ، به آموزش هنر و پیشه و علم نیز باید پرداخته شود سعدی معتقد است که طفل را پس از رسیدن به سنّ مدرسه باید به معلمی آگاه و مطلع سپرد و طفل را به آموختن و فراگرفتن هنر تشویق و ترغیب نمود و می گوید :

داروی تربیت از پیر طریقت بستان کآدمی را بتر از علت نادانی نیست

اما محمد غزالی در کتاب ارزشمند کیمیای سعادت ، در همین باره می فرماید :

« بدان که فرزند امانتی است اندر دست مادر و پدر ، و دل وی پاک است چون جوهر نفیس ، و نقش پذیر چون موم ، و از همه نقش ها خالی است و چون زمین پاک است که هر تخم اندر وی افکنی بروید ؛ اگر تخم خیر افکنی به سعادت دین و دنیا رسد ، و مادر و پدر و معلم اندر ثواب شریک باشند ، و اگر به خلاف این بود بدبخت باشد ، و ایشان بر هر چه بر وی رود شریک باشند . و کودک را از آتش دنیا نگاه داشتن اولی تر که از آتش دوزخ نگاه دارند و نگاه داشتن وی آن بود که وی را به ادب دارد و اخلاف نیکو به وی آموزد و از قرین بد نگاه دارد که اصل همه فسادها از قرین بد خیزد.» (غزالی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۴۴)

سعدی در تربیت اعتقاد دارد که استعداد و شایستگی و آمادگی وجودی طفل در تأثیر تربیت امری مسلم و مسجّل است .

شمشیر نیک ز آهن بد چون کند کسی ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس

بارانکه در لطافت طبعش خلاف نیست از باغ لاله روید وز شوره بوم خس

سعدی معتقد است که کودک را باید با دیانت و با تقوی ، خردمند و با ادب شایسته و سزاوار

زندگی بار آورد ؛ چنان که خود در باب هشتم گلستان فرماید:

علم از بهر دین پروردن است نه از بهر دنیا خوردن و خوردن برای زیستن و ذکر کردن است.

۲-۲-۶ اختلافات فردی و تفاوت استعداد ها و تربیت:

یکی از مسائل اساسی تربیتی توجه به اختلافات فردی است . این مسئله با این که از زمان های قدیم درگفتار مربیان بزرگ مطرح شده است معذک کمتر در عمل مورد توجه بوده است . هنوز هم معلّم و پدر و مادراز شاگردان و فرزند خود انتظار دارند که مانند همسالان موضوعات درسی را فرا گیرد و در جریان تحصیل پیشرفت نماید .

سعدی در پاره ای از اشعار خود به این نکته اشاره نموده است :

پرتو خورشید عشق بر همه افتد ولیــــــــــــک سنگ بیک نوع نیست تا همه گوهر شود

از دیدگاه سعدی ، انسان ها دارای اختلافات فاحشی در امر یادگیری هستند و مطالبی که گفته می شود ممکن است برای یکی قابل درک و برای دیگری مبهم و حتی گمراه کننده باشد :

دو کس بر حدیثی گمارند گوش از این تا بدان ز اهرمن تا سروش

یکــــــــــــی پند گیرد دگر ناپسند نپردازد از حرف گیری بــــــــــــه پند

سعدی را اعتقاد بر این است که حتی اگر محیط یکسان و تعلیم و تربیت یکسان به افراد مختلف داده شود ، یاد گیرندگان و تربیت شوندگان نیز بر حسب استعداد و توان خود از محیط تربیتی مناسب بهره می گیرند .

حکایت : پادشاهی پسری را به ادیبی داد و گفت : این فرزند توست ، تربیتش همچنان کن که یکی از فرزندان خویش . ادیب خدمت کرد و متقبل شد و سالی چند برو سعی کرد و به جایی نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند . ملک ، دانشمند را مؤاخذت فرمود که: « وعده خلاف کردی و وفا بجا نیاوردی » گفت « بر رأی خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و طبایع مختلف . »
گر چه سیم و زر ز سنگ آید همی در همه سنگــــــــــــی نباشد زرّ و سیم

۲-۳-۶ تربیت و وراثت:

سعدی در آثارش بارها به عامل اصل(ژنتیک یا وراثت) در فرایند زندگی انسان اشاره کرده است. اصطلاح ژن(اصل)را برای اولین بار یک دانشمند دانمارکی به نام یوهانسن به کار برده است.وی در سال ۱۹۰۶ میلادی برای اولین بار از ژن ها و «ژنوتیپ» یعنی تحول فرد بر اساس خصوصیات کرموزومی و ژن ها بحث کرد؛ اما اصطلاح ژنتیک را در قرن نوزدهم ، روانشناسان قبل از آنکه قسمتی از علم زیست شناسی گردد به کار برده اند.زمینه زیست شناسی ژنتیک علم بررسی ژنهاست ولی در زمینه روانشناسی منظور از ژنتیک پدید آمدن فرآیند های روانی در طول رشد است. یعنی کنش های روانی از کجا سرچشمه می گیرند.(منصور، ۱۳۵۰: ۱۶)

سعدی در گلستان خود این گونه از تاثیر وراثت بر فرایند زندگی سخن می گوید و آن را خمیرمایه ی اولیه شیوه زندگی و همچنین سعادت و شقاوت بشر می داند:

«چون بود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی که بد گهر باشد.»

(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۵۹)

مقصود از اصل و گهر در ابیات بالا همانا ژنتیک(وراثت) می باشد.به نظر سعدی اهمیت وراثت در زندگی انسان تا به آن اندازه هست که گاهی مساله ی مهمی چون تربیت را نیز تحت شعاع خود قرار می دهد:

«گرچه سیم و زر ز سنگ آید همی در همه سنگی نباشد سیم و زر

بر همه عالم همی تابد سهیل جایی انبان می کند، جایی ادیم.»

(همان: ۱۶۵)

شایان ذکر است اهمیت وراثت به قدری نظر گروهی از روانشناسان را جلب کرده است که حتی اساس خوشبختی و بدبختی هر فرد را بدان مربوط دانسته اند. چنانکه ویگام (wiggam) می گوید: «توارث بزرگترین و مهمترین عامل در تکوین و تشکیل شخصیت هر فرد است. به طوری که هر نوع سعادت و شقاوت که انسان در زندگی با آن برخورد می کند به وراثت مربوط است و اختلاف موجود در افراد، همگی نتیجه اختلافی است که در سلول های نطفه ی مولد پدر و مادر وجود دارد.» (شعاری نژاد، ۱۳۴۹: ۵۷)

زمینه های چنین اندیشه ای را می توان در گلستان سعدی نیز مشاهده نمود. او در باب اول گلستان این چنین عقیده ی خود را در تاثیر شگرف نهاد و وراثت بر زندگی انسان بیان می دارد و می سراید:

«پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است»

(سعدی، ۱۳۸۵: ۱۸)

سعدی نقش توارث و استعداد ذاتی را در تربیت چنان مهم دانسته که جنس ناقابل را تربیت پذیر نمی داند که در آن داستان وزیری که پسری کودن داشت می گوید:

«یکی را از وزرا پسری کودن بود؛ پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مراین را تربیتی می کن مگر عاقل شود. روزگاری تعلیم کردش و مؤثر نبود. پیش پدرش کس فرستاد که این عاقل نمی شود و مرا دیوانه کرد»^۳

سعدی به عنوان علم اخلاق که هدفش تربیت انسان متخلّق به اخلاق نکوست، فرزندان ناهموار و نامتعادل و بی تربیت را که محیط در آن ها اثر نداشته و یا در مقابل محیط مناسب مقاومت می کنند از مارگزنده بدتر می داند

سعدی آنان را که تربیت اولیه آنها نامناسب بوده و یا در مقابل تعلیم و تربیت جدید مقاومت می کنند و به هیچ وجه حاضر به اصلاح نیستند، بشدت تقبیح می کند، با نفوذ کلام خویش به بهترین وجه و زیباترین تشبیهات، تأثیر استعداد ذاتی و گوهر انسانی را بیان می دارد، اشعار زیر که از جنجال

انگیز ترین نمونه های گفتار سعدی است این مطلب را به خوبی بیان می کند:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است
عاقبت گـرگ زاده گرگ شود گر چه با آدمی بزرگ شود

در زمینه تأثیر وراثت باید قلمرو تأثیر وراثت را مشخص نمود. اهلیت و عدم اهلیت را باید مورد تحلیل قرار داد. در هر حال نقش تربیت را نباید نادیده گرفت و به این حقیقت توجه داشت که افراد به تناسب استعداد و زمینه ارثی از درجات تربیت برخوردار می شوند.

۴-۲-۶ تربیت و محیط:

هر آنچه که بیرون از انسان است و بر انسان احاطه دارد، محیط به حساب می آید. در تعریف محیط می گویند: «محیط... شامل تمامی متغیرهای خارج از وجود فرد می شود که از آغاز باروری و انعقاد نطفه تا هنگام تولد و سپس تا مرگ، انسان را دربر گرفته و بر او تأثیر می گذارد یا از وی تأثیر می پذیرد.» (بی ریا، ۱۳۸۵: ۲۱۹)

محیط به طور کلی به همه ی اوضاع و عوامل خارجی گفته می شود که در رشد و تکامل یا رفتار موجود زنده تأثیر می کنند. محیط در رشد بدنی و عقلی مؤثر است و این تأثیر یا مستقیم (directly) و یا غیر مستقیم (indirectly) می باشد. (شعاری نژاد، ۱۳۴۹: ۷۹)

سعدی تا سر حد امکان در مورد اثرات محیط تربیتی نظر داد، و به حدی در آن غور نموده است که می توان او را به نوعی « محیط گرا » نامید ، از طرف دیگر تأثیر توارث و استعداد ذاتی را چنان دقیق بررسی می کند که تعمق در اندیشه وی او را اشتباهاً می توان طرفدار توارث خواند .

باید گفته شود که سعدی نه تنها محیط و توارث ، بلکه عوامل مهم دیگری از قبیل تفاوت های فردی ، رغبت ، تمایلات و خواسته های فردی ، نیازها و تجربیات گذشته و ... را عمیقاً مؤثر دانسته و هرگز یک عامل را به تنهایی در تعلیم و تربیت مؤثر نمی داند ، بلکه مجموعه آنها را مد نظر دارد . در این سخن برادعای خود گفته هایی از شیخ اجل را بهانه گفتار می آوریم .

سعدی نقش محیط در تعلیم و تربیت را در شعر معروف خود به باغچه ای تشبیه می کند که از گل ، گل می سازد .

| | |
|--|-----------------------------|
| رسید از دست محبوبی به دستم | گلی خوشبوی در حمام روزی |
| که از بسوی دلاویز تو مستم | بدو گفتم که مشکى یا عبیری |
| ولیکن مدتــــی با گل نشستم | بگفتا من گلی ناچیز بــــودم |
| وگر نه من همان خاکم که هستم ^۴ | کمال همنشین در من اثر کرد |

سعدی به حدی برای محیط مناسب تربیت ، اهمیت قائل است که تأکید دارد که اگر محیط سالم و متناسب فراهم گردد ، بعید نیست که هویت عوض شود و آن چه پست و پلید است در اثر محیط ، عزیز و شایسته می گردد .

| | |
|--------------------------|---------------------------|
| جامه کعبه را که می بوسند | او نه از کرم پيله نامی شد |
| با عزیزی نشست روزی چند | لاجرم همچو او گرامی شد |

سعدی متذکر می شود که اگر انسان های وارسته ای با افراد ناشایست و پلید همراه و همنشین گردند ، امکان دارد تحت تأثیر رفتار ناپسند آنان قرار گرفته و خود نیز فاسد شوند .

«هر که با بدان نشیند نیکی نبیند.»

| | |
|---------------------------|---------------------------|
| و حشت آموزد و خیانت و ريو | گسر نشیند فرشته ای با دیو |
| نکند گــــرگ پوستین دوزی | از بدان نیکویی نیاموزی |

سعدی را اعتقاد بر این است که اگر پاک سیرتان را در محیط فاسد و چنان که مفسدین را در محیط سالم قرار دهند ، تغییر سیرت داده و تحت تأثیر محیط تربیتی خود قرار خواهند گرفت .

سعیدی معتقد است محیط به عنوان یک عامل حمایتی در رشد انسان، نقش اساسی را در سبک زندگی بشر دارد، به نحوی که در شرایط برابر وراثتی و تربیتی، آن عامل اساسی که به زندگی انسان جهت می دهد و باعث رشد و پرورش و حرکت فرد به سوی سعادت و شقاوتش می شود محیط است. وی در گلستان اینگونه این عقیده خود را بیان می دارد:

« باران که در لطافت طبعش خلاف نیست در باغ لاله روید و در شوره بوم خس.»

(سعیدی، ۱۳۸۵: ۲۰)

سعیدی معتقد است گاهی اهمیت محیط و چیره گی اثرگذاری آن بر سبک زندگی انسان آنچنان پر رنگ می شود که هرگونه تلاش و کوششی در جهت رهنمون کردن وی حرکتی است بی ثمر که هیچ فایده‌ای در آن نخواهد بود:

«زمین شوره سنبل بر نیارد در او تخم و عمل ضایع مگردان.»

(همان: ۲۰)

سعیدی معتقد است احاطه و تاثیرگذاری عوامل بیرونی (محیطی) بر زندگی انسان گاه آنقدر قوت می گیرد که حتی ممکن است وراثت و تربیت صحیح در سایه سار آن عوامل، به گونه ای تباہ و ضایع گردد که دیگر نتوان امیددی به پیرایش و اصلاح آن داشت:

«آهنی را که موربانه بخورد نتوان برد از او صیقل زنگ»

(همان: ۶۳)

اما گاه نیز تربیت صحیح و نژاد و سرشت نیکوی انسان وی را از هرگونه آفت محیطی و بیرونی در فرایند زندگی مصون نگه داشته و او را از پرتگاه ها و لغزش ها در امان خواهد داشت:

سعیدی معتقد است: «جوهر اگر در خلاب افتد ، همچنان نفیس است و غبار اگر به فلک رسد.» (همان: ۲۰۰)

۶-۲-۵ تربیت و گروه همسالان و دوستان:

انسانها بر اساس ذات و فطرت خویش طالب ارتباطند. گاه این ارتباط بین اعضای گروه های انسانی دایره ی وسیعتری گرفته و به دلایل مختلف و وجوه شباهتهای خاص و مشترک پیوندی محکم تر در نوع ارتباط شکل گرفته که می توان آن را دوستی نامید.

سعیدی در برخی از حکایات به تأثیر دوست در گفتار، کردار و پندار انسانها در روند زندگیشان اشاره داشته است. او در حکایت هفتم از باب هفتم در تأثیر هم نشینی انسانها با دوست خوب می گوید:

«جامه کعبه را که می بوسند او نه از کرم پبله نامی شد

با عزیزی نشست روزی چند لاجرم همچو گرامی شد.»

(گلستان، ۱۳۸۵: ۱۶۵)

دوستی که یکی از عوامل پیشرفت و شکوفایی انسان در زندگی وهم چنین یکی از عوامل گمراهی و ذلت و خواری انسان است در مباحث اسلامی و روانشناسی و تربیتی بسیار مهم محسوب می شود. با توجه به اهمیت این مقوله در زندگی انسان، در گلستان به وفور در این زمینه سخن گفته شده است. از موارد دیگر پرداختن سعدی به مساله نقش دوست در زندگی انسان حکایت گل خوشبوی است:

«گلی خوشبوی در حمام روزی رسید از دست محبوبی به دستم

بدو گفتم که مشکمی یا عبیری که از بوی دلاویز تو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال همنشین در من اثر کرد وگر نه من همان خاکم که هستم»

(سعدی، ۱۳۸۵: دیباچه: ۴)

او گاه تاثیر دوستی بر روش و منش زندگی انسان را آنچنان می داند که حتی خنثی کننده ی تاثیرات وراثت، محیط و عوامل تربیتی بوده به نحوی که مثالی را از همسر لوط که بخاطر همنشینان بد از خاندان نبوت و هدایتش دور شد و از سویی دیگر همراهی سگ اصحاب کهف را با مردان خدا باعث رستگاری و جلال و شکوه وی شد:

«با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد»

(همان: ۱۹)

سعدی در گلستان خود، ضمن نکوهش از دوستی با افراد بی خرد بیان می دارد که دوستی با افراد نادان و زشت خوی و کسانی که اخلاق و کردار ناپسند دارند ممکن است انسان را در زندگیش به به بیراهه بکشاند وی می گوید:

«گر نشیند فرشته ای با دیو وحشت آموزد و خیانت و ریو

از بدان نیکوی نیاموزی نکند گرگ پوستین دوزی»

(همان: ۱۹۶)

این سخن سعدی در رابطه با نقش دوست در زندگی انسان یاد آور حکمتی از کتاب ارزشمند نهج البلاغه است که می فرماید: «لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يُزَيِّنُ لَكَ فِعْلَهُ وَ يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ.» (نهج البلاغه/ حکمت ۲۹۳)

۷- نتیجه گیری:

با بررسی و تفحص گلستان سعدی و با توجه به کارکردهای زندگی در این کتاب می‌توان فهمید، زندگی انسان در اندیشه ی سعدی مقوله ای معنادار است و اگر معنادار نبود، این کارکردها از زندگی انسانها زاییده نمی‌شد.

سعدی ارزش زندگی انسان را آنقدر مهم می‌شمرد که در اندیشه او همه ی کائنات به دو منظور اساسی در حرکت و تکاپو اند. اول اینکه مقدمات و زمینه های زندگی سعادت‌مندان ی بشر را فراهم آورند و دوم اینکه آیت و نشانه ای شوند برای انسان تا به حقیقت وجودی زندگی و ارزش والای آن پی ببرد.

روشن ترین هرم تربیتی که سعدی به صورت توأمان از آن سود می‌جوید عبارتند از: دین، علم و تجربه ، عرف و عادات اجتماعی. مساله ای دیگری که شایان ذکر است این است که در دیدگاه سعدی موفه های تاثیرگذار بر تربیت را می‌توان شامل اموری چون کودکی، استعدادها و تفاوت‌های فردی ، وراثت، محیط و سبک زندگی، دوستان و همسالان، و...برشمرد.

سعدی با توجه به تعالیم اخلاقی و همچنین مکتب اخلاقی اسلام، برای هر یک از جلوه های تاثیر گذار بر زندگی انسان ارزش و اهمیت خاصی قائل شده و در این میان نقش کودکی و وراثت و محیط از اهمیت شایانی در اندیشه های سعدی برخوردار است. همچنین می‌توان ارتباط و تاثیرپذیری مستقیم سعدی از بعضی از آیات و روایات و احادیث اخلاقی و تربیتی ، در رابطه با نوع تلقی از زندگی و جلوه های آن را در آثارش مشاهده نمود.

کتابنامه:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن فارس، احمد (۱۳۸۹) معجم مقاییس اللغة ، محقق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام اسلامی، ج ۲، چاپ اول.
- ۳- الاصفهانی، حسین بن محمد راغب (بی تا) مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، بی تا، اول، ص ۳۴۰ (رَبًّا: إذا زاد و علا)
- ۴- آدامز، ای. ام (۱۳۸۲) معنای زندگی، ترجمه زهرا گلپایگانی، مجله نقد و نظر، شماره ۳۱ و ۳۲.
- ۵- آریان پور، منوچهر و دیگران (۱۳۸۵) فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران، جهان‌رایانه، جلد دوم، چاپ ششم.
- ۶- پستمن، نیل (۱۳۷۸) زوال دوران کودکی، ترجمه صادق طباطبایی، تهران، انتشارات موسسه اطلاعات.
- ۷- ترنر، جانان اچ (۱۳۷۸) مفاهیم و کاربرهای جامعه شناسی، ترجمه فولادی و بختیاری، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۸- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۶) نظریه‌های جامعه شناسی، تهران، سمت.
- ۹- دشتی، علی (۱۳۵۶) قلمرو سعدی، چاپ پنجم، تهران، امیر کبیر.
- ۱۰- دورکیم، امیل (۱۳۸۱) درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران مرکز.
- ۱۱- سعدی (۱۳۶۸-۷۴-۸۱) گلستان سعدی، مصحح غلامحسین یوسفی، تهران: خوارزمی.
- ۱۲- شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۴۹، روانشناسی رشد، انتشارات کتابفروشی تهران.
- ۱۳- غزالی، امام محمد ، (۱۳۶۱) کیمیای سعادت ، به کوشش حسین خدیو جم ، مجموعه میراث ایران و اسلام و انتشارات علمی و فرهنگی ، تهران
- ۱۴- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴) العین، قم، هجرت، ج ۸ ، چاپ دوم.
- ۱۵- گروه نویسندگان (۱۳۸۴) فلسفه تعلیم و تربیت، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، هفتم.
- ۱۶- گولد، جولیس و ویلیام ل. کولب (۱۳۷۶) فرهنگ علوم اجتماعی، جمعی از مترجمان، تهران، مازیار.
- ۱۷- لئونارد، لویژن (۱۳۸۴) میراث تصوف ، ۲ جلدی ، ترجمه دکتر مجد الدین کیوانی، انتشارات نشر مرکز ، تهران .
- ۱۸- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵) ارتباط‌شناسی، تهران، سروش، چاپ هفتم.
- ۱۹- مختاری، محمد (۱۳۷۱) انسان در شعر معاصر، چاپ اول، تهران، توس.
- ۲۰- ملکیان، مصطفی (۱۳۹۲) مشتاقی و مهجوری، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ چهارم.
- ۲۱- _____ (۱۳۹۱) مهر ماندگار، تهران، نشر نگاه معاصر، چاپ سوم.
- ۲۲- منصور، محمود (۱۳۵۰) روانشناسی ژنتیک، تهران، انتشارات شرکت سهامی چهر.



اولین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی،
علوم ورزشی و تربیت بدنی



Arc

۰۰۲۰۱-۵۷۰۷۹: کداختصاصی

1st International Conference on Educational Sciences, Psychology, Sport Sciences
and Physical Education

www.confep.ir

موسسه آموزش عالی ادیب مازندران

۲۳- نهج البلاغه ی حضرت علی علیه السلام (۱۳۷۹) محمد دشتی، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ اول.

۲۴- نیک گوهر، عبدالحسین (۱۳۶۹) مبانی جامعه شناسی، تهران، رایزن.